

فرهنگِ وفائی و قدیمی‌ترین نسخه خطی آن

پرفسور نذیر احمد (علیگر)

ترجمه دکتر سید حسن عباس^۱

چکیده: یکی از فرهنگ‌های فارسی کمیاب فرهنگ وفائی است که در کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگر هند وجود دارد و حسین وفائی آن را در عهد شاه طهماسب صفوی تألیف کرد. در نگارش این فرهنگ از سه فرهنگ صحاح‌الفرس، رساله شمس فخری و فرهنگ مولانا شمس‌الدین محمد کشمیری استفاده شده که مهم‌ترین منبع آن همانا صحاح‌الفرس است و در مقدمه نیز آمده که این رساله‌ای است در تصحیح لغت فرس.

کلیدواژه: فرهنگ فارسی، فرهنگ وفائی، صحاح‌الفرس، شاه طهماسب صفوی، هند.

فرهنگ وفائی، یکی از فرهنگ‌های فارسی قابل ذکر است اما نسخه‌های آن کمیاب‌اند. یک نسخه خطی مهم آن در ذخیره آفتاب^۱ در موجود است. این فرهنگ در ۹۳۳ ه. ق. تألیف شده، ولی نسخه زیر نظر در ۹۴۱ ه. ق. در احمدنگر تکمیل شده است و ظاهراً این قدیمی‌ترین نسخه است.

در میان منابع فرهنگ وفائی، سه فرهنگ به عنوان مأخذ دیده می‌شود:

* گروه فارسی دانشگاه هندوی بنارس.

۱. در فهرست چاپی ذخیره آفتاب، نام این فرهنگ، تصحیح لغات فرس آمده است و دیگر مشخصات نسخه چنین است، اوراق ۱۱۴، اندازه: ۸×۵ و ۱۱×۱۵، م، سطر ۱۷، نستعلیق خفی، روشنایی سیاه و شنجرفی، ورق ازل دارای مهر بیضوی «ادب‌الله الحسینی» رک به: فهرست مخطوطات ذخیره آفتاب، ص ۳۶. (مترجم)

۱- فرهنگ محمد بن هندوشاه که به نام غیاث‌الدین محمد رشیدی مرتب شد. در مقدمه فرهنگ وفائی یکجا به نام «رساله» و جای دیگر «صحاح‌اللغة» نوشته شده است، در حالی که نام درست آن، «صحاح‌الفرس» است. در ترتیب آن، ترتیب فرهنگ عربی جوهری «صحاح‌اللغة» را ملحوظ داشته است. «صحاح‌الفرس» به تصحیح دکتر طاعتی از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در سال ۱۹۷۶ م به چاپ رسیده است.

۲- رساله شمس فخری که به نام امیر شیخ اسحاق انجو (تألیف ۵۷۴۵. ق) معنون است. نام آن «معیار جمالی» است. این فرهنگ به تصحیح دکتر کیا، از طرف انتشارات دانشگاه تهران، در ۱۳۲۵ به طبع رسیده است.

۳- فرهنگ مولانا شمس‌الدین محمد کشمیری. درباره این فرهنگ تا به حال هیچ اطلاعی به دست نیامده است.

در اصل حسین وفائی، فرهنگ خود را چنین ترتیب داده است که تمام لغات را از صحاح‌الفرس گرفته و لغاتی که در آن نیست، از معیار جمالی و فرهنگ مولانا شمس‌الدین محمد کشمیری و از چند کتاب دیگر اخذ کرده است، اما لغاتی که از معیار جمالی افزوده است، با نام شمس فخری درج کرده است. لغتی که در هر دو آمده و از بیت شمس فخری شاهد آورده، با نام آخرالذکر درج گردیده، تا معلوم شود که از شمس فخری چقدر استفاده شده است. نکته قابل ذکر دیگر این است که محمد بن هندوشاه بیشتر برای یک لغت، مثال‌های متعدد از اشعار شاعران قدیمی آورده است. حسین وفائی اکثر بر یک و گاهی بر دو بیت اکتفا نموده است و قید متقدمان و متأخران هم ملحوظ نداشته است. چنانچه در فرهنگ وفائی از امیرخسرو، حسن دهلوی، خواجه حافظ شیرازی، خواجه سلمان ساوجی، امیرشاهی، مولانا جامی نیز استفاده شده است، در حالی که در صحاح‌الفرس، نام و نشان آنان موجود نیست.

در مورد استفاده از منابع و مصادر، این نکته نیز قابل تأمل است که محمد بن هندوشاه، مؤلف صحاح‌الفرس، از پیش رو خود اسدی طوسی، مؤلف لغت فرس، اکثر و بیشتر لغات و شواهد هر دو را نقل نموده است. اما با وجود این، او از اشعار شعرای متأخر، از اسدی طوسی نیز استفاده کرده است. در میان آنان معزی، ادیب صابر، مسعود

سعد، حکیم سوزنی، انوری، ظہیر فاریابی، خاقانی، نظامی گنجوی، کمال اسماعیل، اثیر اخسیکی، فرید احول، مجد همگر، سعدی شیرازی، عراقی و غیره قابل ذکرند. البتہ در مقدمہ نام فخرالدین ہندوشاہ (پدر مؤلف) آمدہ است. استشہاد از کلام شاعران تازہ، بہ این سبب لازم می‌شود کہ در مقابل متقدمین، کلام آنان بیشتر سریع الفہم می‌باشد. بنابر ہمین روایت مفیدہ، کلام شاعران بعد از اسدی در صحاح الفرس آمدہ است و اشعار شعرای بعد از صحاح، زینت بخش صفحات فرهنگ وفائی شدہ است.

شک نیست کہ فرهنگ وفائی بر اساس صحاح الفرس است، چنانکہ ترتیب ہر دو فرهنگ یکسان است و مقدمہ اول، خلاصہ مقدمہ صحاح الفرس است. اما، معیار جمالی، فرهنگی بہ آن درجہ نیست کہ بہ آن استشہاد می‌شود، زیرا کہ برخی اصول آن از نظر اصول فرهنگ نویسی ناقص است. بہ طور مثال برای سند معنی واژہ، املا و قرائت، اشعار شعرای قدیم آوردہ می‌شود، ولی شمس فخری برای تصدیق و توثیق این امر، سند از کلام خود بدین صورت آوردہ است کہ اولاً معنی واژہ را درج کردہ، سپس برای تصدیق سند یک قصیدہ، مشتمل بر همان واژہ، خود سرودہ است. اگر لغت غلط یا معنی آن غلط است، برای آن اشتباہ، بیت شمس فخری موجود است. بدین صورت این معانی غلط، در فرهنگ‌های بعد درآمد. فرض بہ علت ہمین نقص بزرگ فرهنگ شمس فخری، داعی الاسلام، مؤلف فرهنگ نظام، آن را فرهنگ مہمل خواندہ است.^۱

حسین وفائی فرهنگ خود را در چہارمین سال حکومت شاہ طہماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق.) در ۹۳۳ھ ق. تالیف کردہ و بہ نام همان پادشاہ ایرانی معنون کردہ است همچنان کہ در دیباچہ نوشتہ است:

«این رسالہ‌ای است در تصحیح لغت فرس کہ در زمان دولت ابد پیوند خسرو گیتی‌پناہ،
سایہ لطف اللہ:

خدیدو جهان شاہ طہماسپ کو را سزد پادشاہی و دیہیم داری
سسر دادگسر، زسدہ آل حیدر کہ تیغش کند روز کین ذوالفقاری
خلدافہ ملکہ و سلطانہ... کہ بہ تاریخ سال ہجری نہ صد و سی و سہ فقیر حقیر حسینی

۱. رجوع شود بہ فرهنگ نظام، دیباچہ جلد پنجم.

الفائی، از رسالهٔ که محمد بن هندوشاه منشی، به نام نامی خواجه غیاث‌الدین محمد رشید انشا کرده و مختصری که شمس فخری به اسم امیر شیخ ابواسحق بن امیر محمود شاه انجو هم در این فن نوشته، بیرون نوشت و اندک تصرفی که این فقیر کرده، آن است که اگر اختلافی در این دو رساله و نسخهٔ دیگر که مولانا شمس‌الدین محمد کشمیری تسوید کرده بود، باز نمود و اکثر این لغات از صحاح‌اللغهٔ محمد بن فخرالدین هندوشاه است، الاً قلیلی که در کتاب او نبود از آن دو رساله و از محل چند متفرقه نقل کرده.

در بارهٔ ترتیب، این نکته قابل ذکر است که در آن ۲۵ باب با رعایت حروف تهجی آمده، اما در آن حرف آخر رعایت شده است. هر باب چند فصل دارد و در ترتیب آن حرف اول رعایت گردیده است. همین ترتیب در صحاح‌الفرس نیز دیده می‌شود. ابواب و فصول به قرار زیر است:

۱- باب الف	۲۱ فصل	۹۳ لغت	۱۴- باب ط	۲ فصل	۲ لغت
۲- باب با	۱۶ فصل	۳۹ لغت	۱۵- باب غین	۱۸ فصل	۴۱ لغت
۳- باب تا	۲۰ فصل	۹۰ لغت	۱۶- باب فا	۱۲ فصل	۲۲ لغت
۴- باب جیم	۱۷ فصل	۵۵ لغت	۱۷- باب قاف	۲ فصل	۹ لغت
۵- باب چ	۹ فصل	۲۵ لغت	۱۸- باب کاف	۲۳ فصل	۱۳۲ لغت
۶- باب خ	۱۹ فصل	۴۱ لغت	۱۹- باب گاف	۲۱ فصل	۷۸ لغت
۷- باب دال	۲۲ فصل	۸۷ لغت	۲۰- باب لام	۲۱ فصل	۸۵ لغت
۸- باب ذال	۲۱ فصل	۸۲ لغت	۲۱- باب میم	۱۸ فصل	۸۷ لغت
۹- باب را	۲۳ فصل	۲۰۸ لغت	۲۲- باب نون	۲۶ فصل	۳۱۳ لغت
۱۰- باب زا	۲۳ فصل	۸۵ لغت	۲۳- باب ها	۲۵ فصل	۵۰۹ لغت
۱۱- باب زا	۱۰ فصل	۱۶ لغت	۲۴- باب وار	۱۵ فصل	۵۹ لغت
۱۲- باب سین	۱۲ فصل	۴۹ لغت	۲۵- باب یا	۱۴ فصل	۱۲۳ لغت
۱۳- باب شین	۲۲ فصل	۸۶ لغت			

در این ۲۵ باب، ۴۵۱ فصل و ۲۴۲۵ لغت آمده است. بر خلاف آن در صحاح‌الفرس تحت ۲۵ باب، ۴۳۱ فصل و ۲۳۰۰ لغت آمده است. بدین ترتیب در فرهنگ وفائی در

مقابل صحاح، ۲۰ فصل و ۱۲۵ لغت زیاد است. علیرغم این، حجم فرهنگ وفائی کم است زیرا که در آن مثال‌ها کمتر آورده شده است.

حسین وفائی به صراحت نوشته است که او از صحاح الفرس کاملاً استفاده کرده است، ولی اگر او این حقیقت را ننوشته بود، معلوم کردن این واقعیت که فرهنگ وفائی در اصل چرینه صحاح الفرس است، آسان نبود. مقدمه وفائی، تلخیص مقدمه آخر الذکر (صحاح الفرس) است که در آن الفاظ و عبارات کاملاً یکسان دیده می‌شود. در زیر بخش ضروری از مقدمه هر دو فرهنگ بالمقابل آورده می‌شود:

صحاح الفرس (ص ۱۳-۱۴)	فرهنگ وفائی (ورق ۲ الف - ب)
<p>ذکر مقدمه‌ای که توضیح آن بر تصحیح لغات مقدم است، بدانکه حروف تهجی که مبتدیان در ابتداء تعلیم به تعلم آن اشتغال نمایند، بیست و هشت حرف است. اول آن الف و آخر آن «با»، و مجموع تراکیب از حروف این یکدیگر حاصل شود، اما استعمال حروف مذکور در لغات فرس وضعی دیگر دارد، و آنچه آن است که هشت حرف در ترکیب عرب مستعمل است مانند خط وضع و ثط و قص که در لغت فرس نیامده مگر بعضی از آن در لغت ماوراءالنهر بر سبیل ندرت واقع است و آن عین و حا و طا و قاف باشد و چهار حرف دیگر پارسیان بر سبیل فرعیته الحاق کرده‌اند که آن در عرب مستعمل نیست، و آن حرف پی و چیم و ژی و گاف است. و بعضی قاف را نیز الحاق کرده‌اند مثلاً گویند «پی» فرع «با» است و «چیم» فرع «چیم»، و «ژی» فرع «زا»، و «گاف» فرع «کاف» و «قاف» فرع</p>	<p>ذکر مقدمه‌ای که توضیح آن بر تصحیح لغات مقدم است، بدانکه حروف تهجی که مبتدیان در ابتداء تعلیم به تعلم آن اشتغال نمایند، بیست و هشت حرف است. اول آن الف و آخر آن «با»، و مجموع تراکیب از حروف این یکدیگر حاصل شود، اما استعمال حروف مذکور در لغات فرس وضعی دیگر دارد، و آنچه آن است که هشت حرف در ترکیب عرب مستعمل است مانند خط وضع و ثط و قص که در لغت فرس نیامده مگر بعضی از آن در لغت ماوراءالنهر بر سبیل ندرت واقع است و آن عین و حا و طا و قاف باشد و چهار حرف دیگر پارسیان بر سبیل فرعیته الحاق کرده‌اند که آن در عرب مستعمل نیست، و آن حرف پی و چیم و ژی و گاف است. و بعضی قاف را نیز الحاق کرده‌اند مثلاً گویند «پی» فرع «با» است و «چیم» فرع «چیم»، و «ژی» فرع «زا»، و «گاف» فرع «کاف» و «قاف» فرع</p>

<p>فرع «زای معجم و «گاف» فرع «کاف» و «قاف» فرع «واو»، و بعضی آن را فرع «فاه» نیز گویند، و در این زمان «قاف» مستعمل نیست به خلاف حروف چهارگانه و علامت این فرع تا از اصول ممتاز باشد سه نقطه است.</p> <p>فرع «واو»، و بعضی آن را فرع «فاه» نیز گویند، و در این زمان «قاف» مستعمل نیست به خلاف حروف چهارگانه و علامت این فرع تا از اصول ممتاز باشد سه نقطه است.</p>	<p>فرع «زای معجم و «گاف» فرع «کاف» و «قاف» فرع «واو»، و بعضی آن را فرع «فاه» نیز گویند، و در این زمان «قاف» مستعمل نیست به خلاف حروف چهارگانه و علامت این فرع تا از اصول ممتاز باشد سه نقطه است.</p> <p>است که هریک را سه نقطه باشد و اصول را هم نبود.</p>
---	--

اینجا بعضی از امور ذکر می‌شود که با توجه به آن، فرق میان فرهنگ وفائی و صحاح روشن شود:

- ۱- در وفائی برخی لغات از صحاح بیشتر آمده است.
- ۲- در وفائی، مثال‌ها کمتر از صحاح است، مثلاً در ذیل آسا به معنی خمیازه در هر دو فرهنگ یک بیت دقیقی آمده و به معنی مانند در صحاح دو بیت و در وفائی فقط یک بیت به طور مثال آمده است. در ذیل آشنا ضدیگانه در وفائی هیچ شاهد نیامده، در حالی که در صحاح یک بیت از امیر معزی و یک بیت از هندوشاه (پدر مؤلف) نقل گردیده است.
- ۳- در صحاح برخی از واژه‌ها شاهد ندارد و در وفائی دارد، به طور مثال وسنی (صحاح، ص ۳۱۰ متن و حاشیه)، خفاف (ص ۳۰۹)، همای، لامانی (ص ۳۰۷)، اهرمن (ص ۲۳۱-۲۳۲)، بادبان (ص ۲۳۲)، ایوان (ص ۲۳۳)، برزن (ص ۲۳۳)، برهمن (ص ۲۳۲)، بوقلمون (ص ۲۳۴)، پاسبان (ص ۲۳۵)، پرچین (ص ۳۳۶)، پریشان (ص ۳۳۶)، پژمان (ص ۳۳۷)، پشتوان (ص ۳۳۷)، تاوان (ص ۳۳۷) و...

مصحح صحاح الفرس آقای دکتر عبدالعلی طاعتی از روی فرهنگ وفائی در حاشیه‌ها شواهد افزوده است.

- ۴- در فرهنگ وفائی بعضی جاها مثال‌ها عوض شده است مثلاً در ذیل آیا در صحاح، مؤلف یک بیت از پدر خود و یک بیت از اوحدی نقل کرده است. در وفائی به جای آن، بیت زیر حافظ شیرازی آمده است:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند / آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

اگرچه اساس فرهنگ وفائی بر صحاح الفرس گذارده شده است، اما بعضی جا مطالب صحاح عیناً آورده شده است، علی‌رغم آن، از تألیف آن برخی نتایج سودمند به دست

می‌آید، به طور مثال:

- ۱- در تصحیح صحاح الفرس، از فرهنگ وفائی بسیار کمک می‌توان گرفت.
- ۲- با کمک فرهنگ وفائی برخی از مطالب کم شدهٔ صحاح حاصل می‌شود. در آخر بیشتر نسخه‌های خطی صحاح شواهد کمتر آمده است. حدس زده می‌شود که این نقص از نسخه‌هاست، مؤلف شواهدی آورده باشد. در این مورد از شواهد وفائی کمک می‌شود.
- ۳- برای افادهٔ بیشتر، تألیف خود مؤلف اشعار شاعران بعد از صحاح الفرس را به طور مثال نقل کرده است و از این معلوم می‌شود که مطالعهٔ مؤلف وسیع بود و همچنین این امر به اثبات می‌رسد که فرهنگ وفائی فقط نقل قول نیست.
- ۴- در فرهنگ وفائی بعضی جاها به جای اشعار صحاح، ابیات دیگر آمده است که برجسته‌تر و مناسب‌تر است به طور مثال بیت حافظ را می‌توان ارائه کرد که در ذیل «آیا» آمده است.

نسخهٔ خطی فرهنگ وفائی:

نسخهٔ خطی فرهنگ وفائی که در کتابخانهٔ دانشگاه اسلامی علیگر است، نسخهٔ کامل است. اندازه $۱۵\frac{۱}{۲} \times ۸$ س ۴، متن $۱۱ \times ۵\frac{۱}{۲}$ س ۴، خط نستعلیق ریز. آغاز: حمد و ثنای فراوان و شکر و سپاس بی‌پایان مر آفریدگار بی‌چون و مبدع صنائع کن فیکون...

پایان: یک بسی یکبارگی، بوشکور گفت:

بخیلی مکن جاودان یک بسی
صد شکر که ناشده جهانم سپری
هر باب دری ز خلد هر فصلی از آن
طاوس و هر لغت چو کبکیست دری

ترقیمه این است:

«تم الكتاب بعون الله الملك الوهاب و صلى الله على خير خلقه محمد و آله اجمعين في

عام شوال سنة ۹۴۱ نوشته در احمدنگر»

این نسخه به دو جهت بسیار مهم است:

اول اینکه نسخه مذکور هشت سال پس از تألیف به تحریر درآمده است، لذا به ظن قوی از نسخه‌های قدیمی‌ترین است. از این قدیمی‌تر نسخه شاید مکشوف نشده است. دوم اینکه کتابت آن در احمدنگر صورت گرفته است که دارالحکومت دولت شاهی نیز بود. در ۹۴۱ هـ برهان شاه نظام اول^۱ سلطنت می‌کرد. او حکمران جلیل‌القدر خانواده نظام شاهی بود و پس از ۴۷ یا ۵۰ سال حکمرانی در ۹۶۱ هـ درگذشت. در زمان وی روابط علمی و فرهنگی با ایران بسیار گسترده بود. در نتیجه آن در ۹۲۸ هـ یک مبلغ ایرانی شاه طاهر^۲ به احمدنگر آمد و در اثر وی در ۹۴۴ هـ مذهب تشیع^۳، مذهب رسمی دولت نظامی شد. در زمان او رفت و آمد شعرا و علما و فضیلابی ایرانی به آنجا افزایش یافت و مبادلات کتاب‌ها نیز افزوده شد. از نسخه فرهنگ وفائی نیز این حقیقت به اثبات می‌رسد. چنین معلوم می‌شود که پس از تألیف (۹۳۳ هـ) آن، نسخه‌اش به احمدنگر آمد و همانجا در ۹۴۱ هـ استنساخ شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. در برهان مآثر تاریخ جلوس ۹۱۱ هـ آمده است، (ص ۲۳۴). بدین ترتیب مدّت حکومت، پنجاه سال می‌شود، اما فرشته (جلد ۲، ص ۱۰۲) تاریخ جلوس را از «فیض جاوید» ۹۱۴ هـ دست آورده است، بدین صورت مدّت حکومت ۴۷ سال می‌شود.
۲. رک: فرشته: ج ۲، ص ۱۰۴؛ در برهان مآثر (ص ۲۵۴) تاریخ خروج از جرون ۹۲۶ هـ آمده است.
۳. فرشته: ج ۲، ص ۱۰۹.